

آبریزگان و آذر جشن: انقلابین و تقویم دوره ساسانی

پدرام جم^۱

استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

(از ص ۳۵ تا ص ۵۳)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۴/۰۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۶/۲۰

چکیده

ماهیت دو جشنی که در دوره ساسانی آبریزگان و آذر جشن نامیده می‌شدند، به دلیل درک نادرست تقویم ساسانی، در تحقیقات جدید ناشناخته مانده است، اما تفسیر درست این تقویم، که بیرونی آن را شرح داده، می‌تواند ماهیت این جشن‌ها را به خوبی مشخص کند. این مقاله نشان می‌دهد که رسم برگزاری این دو جشن به پیش از زمان پیدایش جشن‌هایی که با یکسانی نام ماه و روز برگزار می‌شدند برمی‌گردد. به علاوه، این دو جشن انگیزه بنیادین انتخاب نام‌های تیر و آذر برای ماه نخست تابستان و ماه آخر پاییز در زمان تأسیس تقویم ایرانی بوده‌اند. در این مقاله رسوم مرتبط با این دو جشن در دوران ساسانی مطالعه می‌گردد و سازوکار برگزاری جشن‌های فصلی در سال سیار تقویم ساسانی نشان داده می‌شود. همچنین دلیل پیدایش بدیل‌های غیرفصلی این دو جشن و نیز جشن‌هایی که با یکسانی نام روز و ماه در تقویم زرتشتی برگزار می‌شدند واکاوی می‌گردد و در نهایت، تحولات پس از سقوط شاهنشاهی ساسانی در زمان برگزاری این دو جشن در دوران پیش از تأسیس تقویم جلالی و پس از آن تا زمان حاضر بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تقویم دوره ساسانی، آبریزگان، آذر جشن، انقلابین، جشن‌های فصلی دوره ساسانی.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم تقویم دوره ساسانی وجود تعداد پرشمار جشن‌ها و آیین‌هاست. منابع هم‌زمان برای مطالعه جشن‌های دوره ساسانی محدود و پراکنده‌اند. کتیبه کردیر در کعبه زرتشت به گاه‌نبارهایی اشاره دارد که کردیر در مدت یک سال برگزار کرده است. اشاراتی جسته و گریخته به جشن‌ها و آیین‌های دوره ساسانی را می‌توان در منابع هم‌زمان یونانی و لاتین، ارمنی، سریانی، چینی و تلمود یافت. متن‌های فارسی میانه زرتشتی که تحریر نهایی آنها اغلب در سده‌های نخستین اسلامی صورت گرفته نیز، به سبب در بر داشتن آگاهی‌های ارزشمند کهن، منبع بسیار مهمی در این باره‌اند. با این حال، مهم‌ترین منابع مطالعه جشن‌ها و آیین‌های رایج در دوره ساسانی پس از سقوط ساسانیان به رشته تحریر درآمده‌اند. در میان این منابع، آثارالباقیه ابوریحان بیرونی (۳۹۱ هـ.ق) بیشترین اهمیت را دارد. دو اثر دیگر بیرونی، التفهیم (۴۲۰ هـ.ق) و قانون مسعودی (۴۲۲ هـ.ق)، معمولاً همان مطالب را به صورت مختصر ارائه می‌کنند. زین الاخبار گردیزی (۴۴۳ هـ.ق)، اگرچه بیشتر به بیرونی اتکا دارد، اما پاره‌ای تفاسیر جدید را از جشن‌های کهن ارائه می‌کند و روضه المنجمین شهردان رازی (۴۶۶ هـ.ق) نیز نکات جدیدی بر آگاهی‌های پیشین می‌افزاید. عجایب المخلوقات زکریای قزوینی (۶۷۴ هـ.ق) و نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر دمشقی (اوایل سده هشتم هـ.ق) هم به دلیل انعکاس برخی تحولات در موقعیت تقویمی جشن‌های کهن پس از رواج تقویم جلالی شایان توجه‌اند. پاره‌ای از تحولات جشن‌های کهن ایرانی در سده‌های میانه را نیز می‌توان در لابه‌لای متون فارسی زرتشتی، متون ادب فارسی و عربی، فرهنگ‌های کهن فارسی، بخش‌های مرتبط با تقویم و تاریخ زیج‌های دوره اسلامی، تاریخ‌های عمومی و محلی و گزارش سیاحان بیگانه جست‌وجو کرد.

شناخت صحیح جشن‌ها و آیین‌های باستانی ایران به شناخت درست تقویم کهن ایران بستگی کامل دارد و اگرچه موضوع این مقاله شرح تقویم رایج در دوره ساسانی نیست، برای روشن شدن شیوه اجرای دو جشنی که موضوع این گفتارند شرح مختصری از آن تقویم ضروری است.

سال تقویم رایج دوره ساسانی سیار بود و نسبت به فصول چهارگانه در هر چهار سال تقریباً یک روز جابه‌جا می‌شد. سال این تقویم دوازده ماه سی‌روزه داشت به علاوه پنجه (۳۶۵ روز بی کم و کاست)، و به سبب محاسبه نکردن کسر مازاد سال، نسبت به

سال استوایی، پنج ساعت و ۴۸ دقیقه و ۴۶ ثانیه (۰/۲۴۲۲) روز) کوتاه‌تر بود. شماری از جشن‌های باستانی ایران در ماه‌های اسمی ثابت بودند و با جابه‌جایی ماه‌ها در فصول چهارگانه حرکت می‌کردند. اما گروه دیگری از جشن‌ها در هنگام مشخصی از فصول سال برگزار می‌شدند. در میان گروه اخیر، خصلت فصلی گاهانبارهای شش‌گانه، که با فعالیت‌های کشاورزی و شبانی در ارتباط بودند، از دیر باز مورد تأکید قرار گرفته است. اما شیوه اجرای آنها در تقویم ساسانی به درستی شناخته نشده است. دیگر مناسبت‌های فصلی محتمل نیز به سبب درک نادرست تقویم ساسانی و سازوکارهای آن تقریباً ناشناخته مانده‌اند. در سده‌های میانه تاریخ ایران موقعیت‌های مرتبط با فصول چهارگانه، خصوصاً انقلابین، به خوبی شناخته شده بودند: در نواحی ای همچون اصفهان در موعده انقلاب تابستانی جشن آبریزگان یا آب‌پاشان برگزار می‌شد و در نواحی گوناگون ایران زمین انقلاب زمستانی را با نام چله زمستان گرامی می‌داشتند و برای آنها رسوم مخصوصی داشتند. هر دو مناسبت فصلی و رسوم مرتبط با آن، نشانه‌های آشکاری از ریشه‌های کهن دارند. بررسی دقیق تقویم توصیف‌شده در آثار ابوریحان بیرونی صورت‌های کهن این دو جشن را آشکار می‌کند.

۱. تقویم ساسانی و مسئله جشن‌های فصلی

ابوریحان بیرونی در معرفی جشن‌های ایرانیان می‌گوید که هنگامی که ایرانیان سال‌های خود را کیسه می‌کردند، فصول چهارگانه را با ماه‌هایشان می‌شناختند، زیرا به هم نزدیک بودند، و فروردین‌ماه آغاز تابستان، تیرماه آغاز پاییز، مهرماه آغاز زمستان و دی‌ماه آغاز بهار بود (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۶۴). در ادامه بیرونی می‌گوید برای ایشان، در آن روزهایی بود که بر حسب فصول چهارگانه به کار می‌بستند و هنگامی که کیسه اهمال شد، اوقات آنها اختلاف یافت. ادعای بیرونی درباره آغاز فصول چهارگانه و ماه‌های متناظر با آنها تنها مربوط به روزگار پایانی ساسانی است، چنانکه در جاهای دیگر، یک ماه پیش از ماه‌های ذکر شده را آغاز فصول چهارگانه در روزگار خسروان (نک. ادامه بحث) معرفی کرده است و اگرچه کیسه به آن صورت که بیرونی و نویسندگان دوران اسلامی تصور می‌کردند در تقویم اعمال نمی‌شد، اما تصریح بیرونی به برگزاری برخی مناسبت‌ها بر حسب فصول چهارگانه گوناگونی جشن‌های کهن را به لحاظ ارتباط آنها با تقویم نشان می‌دهد. تصریح بیرونی آشکار می‌کند که به جز جشن‌ها و مناسبت‌هایی که در ماه‌های تقویم کهن ثابت بودند و با گردش ماه‌ها در فصول چهارگانه جابه‌جا

می‌شدند، ایرانیان جشن‌های فصلی هم داشته‌اند که در مواقع مشخصی از سال برگزار می‌شدند و برای اجرای آنها هم سازوکار مشخصی در تقویم سیار داشته‌اند. راه حل ایرانیان برای معضل برگزاری مناسبت‌های فصلی در تقویم سیار تغییر موضع پنجه به اندازه یک ماه (سی روز) در هر ۱۲۰ سال بود. در این تقویم اصلاح‌شده، پنجه نقش شاخص را ایفا می‌کرد و به مانند وضعیت اولیه تقویم در زمان تأسیس آن، به طور تقریبی نقطه ممیز زمستان و بهار بود.^(۱) پنجه، که در زمان تأسیس این تقویم در آخر اسفندماه (در زمان تأسیس تقویم برابر با آخرین ماه زمستان) قرار داشت، در آخرین تغییر موضع دوره ساسانی، به آخر آبان‌ماه انتقال یافته بود. در زمان سقوط ساسانیان زمان آن رسیده بود که پنجه را به آخر آذرماه منتقل کنند، اما آشوب ناشی از حمله عرب مانع از تغییر سراسری موضع پنجه شد. تقویمی که پنجه به این شیوه در آن جابه‌جا می‌شد، موجب «تصور» تقویم دیگری شد که پنجه‌اش همزمان با پنجه این تقویم بود، اما فروردین‌ماه این تقویم دوم، مثلاً در زمانی که پنجه در آخر آبان‌ماه قرار گرفت، برابر با آذرماه تقویم اصلی بود. واضح است که برابری فروردین‌ماه با آذرماه تنها به مدت ۱۲۰ سال دوام داشت و پس از سپری شدن این مدت، فروردین‌ماه تقویم دوم با دی‌ماه تقویم اصلی برابر می‌شد. متون پهلوی که در سده‌های نخست هجری به نگارش درآمده‌اند، تقویم نخست (اصلی) را با نام *ōšmurdīg* (شمرده) و تقویم دوم (مجازی) را با نام *wihēzagīg* (بهیزگی = متحرک) معرفی می‌کنند (نک. بندهشن، ۱۳۸۴: ۲۸۴-۲۹۲). تقویم دوم بیشتر شبیحی از یک تقویم بود و خصوصیات مستقل و مجزا نداشت و در مقایسه با تقویم نخست، به نظر می‌رسید که در هر ۱۲۰ سال یک ماه افزون دارد. نویسندگان مسلمان سده‌های نخستین هجری تنها یک تقویم برای دوره ساسانی تصور می‌کردند و آن تقویم را مکبوس می‌دانستند و می‌پنداشتند که در هر ۱۲۰ سال، یک ماه سی‌روزه به این تقویم افزوده می‌شده که با پایان فرمانروایی ساسانیان این رسم متروک شده است (رک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۵۳). در واقع، تقویم مورد تصور آنان ترکیبی ذهنی و برساخته از دو تقویم پیش‌گفته دوره ساسانی بود. تقویم مورد اشاره بیرونی را باید با تقویم شمرده ساسانی برابر دانست، اما فرض اجرای کیبسه در آن را به کناری نهاد. چنان که گفته شد، مطابق کاربرد کهن، پنجه معیاری برای محاسبه زمان اجرای مراسم و جشن‌های فصلی بود. توصیف بیرونی از جشن‌های کهن ایران اغلب، و به تصریح خود وی، مربوط به وضعیت و زمان برگزاری این جشن‌ها در «روزگار

خسروان» (خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹ م / خسرو دوم ۵۹۱-۶۲۸ م) می‌شود. چنانچه خلاف این باشد، بیرونی خود آن را متذکر می‌شود، چنان‌که مثلاً جشن نیلوفر را، که در روز ششم تیرماه برگزار می‌شد، جشنی جدید معرفی می‌کند و این به آن معناست که به فرض فصلی بودن جشن نیلوفر، زمان برگزاری آن را باید تیرماه سال سیار در زمان بیرونی در نظر گرفت. اما به روزگار خسروان، که پنجه به آخر آبان‌ماه انتقال یافته بود، بهار جشن در آغاز آذرماه برگزار می‌شد (بیرونی، ۱۹۵۴-۱۹۵۶: ۱؛ ۲۶۴؛ ۱۳۸۰؛ ۲۷۶؛ ۱۳۸۶؛ ۲۵۶؛ شهردان رازی، ۱۳۸۲: ۴۷؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۵۲) و نخستین گاهانبار را، که می‌باید در نیمه فصل بهار برگزار شود، در موضع فصلی خود از یازدهم تا پانزدهم دی‌ماه برگزار می‌کردند (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۸؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۴۹). در سال بر تخت نشستن یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، نوروز (یکم فروردین‌ماه) تقویم مورد اشاره با شانزدهم حزیران (ژوئن) برابر بود (کوشیار گیلانی، در باقری، ۱۳۸۷: ۳۶). جدول زیر موضع فصلی ماه‌های تقویم کهن ایرانی را در دوره خسروان (۵۳۱-۶۲۸ م) و نیز برابری ماه‌های آن را با ماه‌های تقویم بهیژکی در همان روزگار نشان می‌دهد.

تقویم شمرد	تقویم بهیژکی	موقعیت فصلی
فروردین	مرداد	ماه دوم تابستان
اردیبهشت	شهریور	ماه سوم تابستان
خرداد	مهر	ماه نخست پاییز
تیر	آبان	ماه دوم پاییز
مرداد	آذر	ماه سوم پاییز
شهریور	دی	ماه نخست زمستان
مهر	بهمن	ماه دوم زمستان
آبان	اسفند	ماه سوم زمستان
پنجه	پنجه	
آذر	فروردین	ماه نخست بهار
دی	اردیبهشت	ماه دوم بهار
بهمن	خرداد	ماه سوم بهار
اسفند	تیر	ماه نخست تابستان

جدول ۱. برابری ماه‌های تقویم شمرد با فصول سال و ماه‌های تقویم بهیژکی در روزگار خسروان

در مورد برابری ماه‌های تقویم شمرد و بهیژکی با ماه‌های فصول سال باید گفت که این پدیده تقریبی است و در هر دوره ۱۲۰ ساله، تنها در چهار سال، روز مشخصی از

فصول سال با همان روز در دو تقویم یادشده برابری می‌کرد؛ مثلاً روز نخست آذرماه تقویم شمرد، که در دوره خسروان برابر با روز نخست فروردین‌ماه تقویم بهیژکی بود، در یک دوره ۱۲۰ ساله تنها در چهار سال با روز نخست فصل بهار برابر بود و در مابقی سال‌ها با آن اختلاف داشت. دیگر این‌که تقویم بهیژکی هم با تقویم‌های شمسی استوایی (مثلاً تقویم جلالی) یکسان نبود، چراکه میانگین طول مدت این تقویم ۳۶۵ روز و شش ساعت (۳۶۵/۲۵) بود که با طول میانگین سال استوایی (۳۶۵/۲۴۲۲) اختلاف داشت.

برابری ماه‌های تقویم و فصول چهارگانه در *ورزنامه* (کتاب *الزّرع*) اثر کاسیانوس باسوس اسکولاستیکوس وضعیتی مشابه را نشان می‌دهد. این کتاب را در دوره ساسانی به پهلوی ترجمه کردند و در آن ترجمه، فصول چهارگانه سال را در تقویم ایرانی رایج در آن زمان مشخص نمودند. ترجمه پهلوی کتاب باقی نمانده است، اما ترجمه عربی از روی آن و بعد ترجمه فارسی از روی ترجمه عربی، این برابری ماه‌ها و فصول سال در زمان ترجمه به پهلوی را وفادارانه حفظ کرده‌اند. در باب نهم از جزء نخست کتاب، که به معرفت فصول سال اختصاص دارد، آمده است که بعضی علمای مردم اول بهار را هفت شب مانده از آبان‌ماه، اول تابستان را هفت شب مانده از بهمن‌ماه، اول پاییز را هفت شب مانده از اردیبهشت‌ماه و اول زمستان را هفت شب مانده از مردادماه می‌گیرند (قسطوس بن اسکولستیکه، ۲۰۱۰: ۵۲؛ ترجمه فارسی در فسطیوس بن اسکوراسیکه، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۷). در تقویم سیّار دوره ساسانی در میانه سده پنجم میلادی تاریخ‌های ذکر شده با اول فصول چهارگانه مطابقت می‌کرد.^(۳)

بنا بر نسبت برابری ماه‌ها و فصول چهارگانه در روزگار خسروان، انقلاب تابستانی در پایان بهمن‌ماه/آغاز اسفندماه، و انقلاب زمستانی در پایان مردادماه/آغاز شهریورماه واقع می‌شده است.^(۴) توصیف بیرونی نشان می‌دهد که این مناسبت‌های فصلی برای ایرانیان روزگار پیش از اسلام شناخته شده بوده است. بنا بر توصیف او «روز سی‌ام، انیران، در اصفهان آفریجکان نام دارد و تفسیر آن ریختن آب است» (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۸۳؛ ۱۹۵۴-۱۹۵۶: ۱/۱۹۵۶، ۲۶۰، ۲۶۶؛ همچنین رک. گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۵۴-۳۵۵). در حقیقت، آخرین روز بهمن‌ماه (بهمن‌ماه به روزگار خسروان تقریباً برابر با آخرین ماه فصل بهار) به لحاظ نظری با آخرین روز فصل بهار برابر بود.^(۴) به نحو مشابه، اولین روز شهریورماه هم که به لحاظ

نظری با ماه نخست زمستان برابر بود، با نام آذر جشن گرامی داشته می‌شد. بیرونی در این باره از قول زادویه بن شاهویه می‌گوید:

همانا آن (شهریورگان) آذر جشن نام دارد و آن جشن آتشی است که در خانه‌های مردم است؛ و آغاز زمستان بوده است و در آن روز آتشی بزرگ در خانه‌هایشان می‌افروختند و در ستایش خداوند و شکرگزاری او فزونی می‌جستند، و برای خوردن و شادمانی گرد هم می‌آمدند و ادعا می‌کردند که آن برای دفع سرما و خشکی پدیدآمده در زمستان است و همانا انتشار گرمای آن آفت‌های آسیب‌رسان به گیاه را در گیتی دفع می‌کند و شیوه آنها در آن شیوه کسی بود که با سپاهی بزرگ به نبرد دشمن خود می‌رود (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۲؛ همچنین رک. بیرونی، ۱۹۵۴-۱/۱۹۵۶: ۲۶۳).

اما بعد از قول موبد خورشید تصریح می‌کند که «همانا آذر جشن روز نخست این ماه (شهریور) است و آن روز هرمز است». نکته قابل توجه آن است که هر دو مرجع بیرونی در باب آذر جشن اصفهانی بوده‌اند. بیرونی خود در آغاز فصل نهم *آثارالباقیه* خورشید بن زیار، موبد اصفهان، را یکی از مراجع موثق خود برای ماه‌های ایرانی، جشن‌ها و روزهای مشهور معرفی کرده است و زادویه بن شاهویه را هم از مراجع خود آورده و اگرچه خود به اصفهانی بودن وی اشاره‌ای نکرده، اما حمزه اصفهانی و ابن ندیم و مؤلف *مجملة التواریخ* او را اصفهانی معرفی کرده‌اند. بندهشن (۱۳۲۵-۱۴)، که تحریر نهایی آن در سده ششم هجری صورت گرفته است، به برگزاری همین جشن در روز نهم دی ماه بهیژکی گواهی می‌دهد: «ماه دی بهیژکی، روز آذر، آن زمستان به بیش سردی به ایرانویج رسد. به ماه اسفندارمذ بهیژکی (زمستان) در همه جهان به سر برسد. از این رو در ماه دی، روز آذر، همه جا آتش افروزند و نشان کنند که زمستان آمد» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۲۸۸). چنانچه آگاهی بندهشن به روزگار ساسانیان مربوط باشد، معلوم می‌شود که در آن روزگار، جشن آغاز زمستان به تفاوت در جای‌های گوناگون در روز نخست یا نهم و یا حتی چهارم از ماه نخست زمستان، که در زمان خسروان شهریورماه تقویم شمرده تصور می‌شده، برگزار می‌شده است.

بیرونی بارش باران پس از خشکسالی هفت‌ساله دوره پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م) را عامل پیدایش رسم آبریزگان بیان می‌کند و اگرچه آبریزگان منشأ کهن‌تری دارد، اما این داستان انگیزه اصلی برگزاری آبریزگان را مشخص می‌سازد: باران‌خواهی^(۵) و مقابله با گرما و خشکی.^(۶) آبریزگان آغاز تابستان را نباید با رسم پاشیدن آب در آیین‌هایی همچون آبانگاه و پنجه و نوروز یکی دانست. آب‌پاشی در آیین آبانگاه، که در روز آبان (دهم) از فروردین‌ماه برگزار می‌شد (رک. شهردان رازی، ۱۳۸۲: ۴۳؛ ملا مظفر گنابادی، ۱۳۸۲: شرح

باب پنزدهم؛ 206: Unvala, 1908)، احتمالاً با هدف تفأل صورت می‌گرفته،^(۷) و دلیل شست‌وشو و پاشیدن آب در پنجه یا نوروز هم پاک شدن در زمان مهم و حیاتی پایان سال کهنه و آغاز سال نو بود (رک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۶۸). به علاوه، آب را دارای شگون می‌دانستند.

برگزاری دو جشن آبریزگان و آذر جشن در آغاز (تقریبی) دو فصل تابستان و زمستان^(۸) توضیح مناسبی برای دلیل نامگذاری دو ماه تیر و آذر به دست می‌دهد. ترتیب ماه‌های تقویم کهن ایران از دی‌ماه تا شهریورماه از ترتیبی تا حدی شبیه به ترتیب امشاسپندان در یسن ۱/۴۷ پیروی می‌کند،^(۹) اما نوسرد، که بعدها فروردین نامیده شد، و تیر خارج از این فهرست در این توالی داخل شده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که انگیزه نامگذاری تیرماه، که از روزگاران کهن با ایزد تیشتر (شعرا یمانی)، ستاره باران در اوستا، بستگی کاملی یافته است،^(۱۰) وجود آیینی مرتبط با باران‌خواهی در آغاز آن ماه بوده است^(۱۱) و انگیزه نامگذاری آذرماه هم آیینی کهن‌تر مرتبط با آغاز فصل زمستان در بزرگداشت آذر یا آتش‌های خانگی.^(۱۲) در تقویم شمسی - قمری هخامنشیان نیز ماه نهم، یعنی *Āçiyādiya*، که تقریباً با ماه آخر پاییز برابر بود و نام آن با مراسم آتش ارتباط داشت (برای دیدگاه‌های گوناگون درباره مفهوم این نام رک. Schmitt, 2003: 32-33)، انگیزه مشابهی را برای نامگذاری نشان می‌دهد،^(۱۳) و این نکته بر کهن بودن جشن آغاز زمستان و اهمیت تقویمی آن صحنه می‌گذارد. در حقیقت، نامگذاری این دو ماه، و ماه‌های دیگری که انگیزه نامگذاری آنها وجود جشن یا آیینی کهن‌تر بوده، به قدیم‌ترین مرحله تحول تقویم‌های ایرانی بازمی‌گردد.^(۱۴)

حرکت دادن پنجه در تقویم تحولی منحصر به تقویم ایرانی بوده و در تقویم‌هایی که با این تقویم منشأ مشترک داشتند (همچون تقویم ارمنی، خوارزمی و سغدی) پنجه همچنان در پایان آخرین ماه سال قرار داشته است. از آنجا که برقراری این نظام تقویمی به سده پنجم پیش از میلاد در دوره هخامنشی بازمی‌گردد، چنانچه سنت حرکت دادن پنجه در همان دوره هخامنشی آغاز شده باشد، می‌بایست همین اقدام در تقویم مردمانی که تحت فرمانروایی هخامنشیان می‌زیستند نیز صورت می‌گرفت. این موضوع نشان می‌دهد که حرکت دادن پنجه پس از سقوط هخامنشیان و مدت‌ها پس از گذشت نخستین ۱۲۰ سال پس از تأسیس تقویم و در زمانی آغاز شده است که نسبت به فصول چهارگانه جابه‌جایی فاحش ماه‌ها پدید آمده بوده است. در سالیان پیش از شروع حرکت

دادن پنجه، جشن‌ها و آیین‌ها با جابه‌جایی ماه‌ها در فصول چهارگانه جابه‌جا شدند و این پدیده حتی جشن‌های فصلی را هم شامل شد. هنگامی که برای حل معضل جابه‌جا شدن گاه‌نبارها، پنجه را (پس از هخامنشیان) حرکت دادند، این امکان به وجود آمد که جشن‌های دیگر فصلی را در موضع درست خود برگزار کنند. اما از آنجا که پاره‌ای از جشن‌ها و آیین‌های کهن فصلی انگیزه نامگذاری برخی ماه‌ها واقع شده بودند و پیوند آنان با نام این ماه‌ها ناگسستنی بود، در برخی مناطق ترجیح دادند این جشن‌ها را در همان ماه‌های اسمی برگزار کنند. در نتیجه، برخی جشن‌ها که در اصل ماهیت فصلی داشتند، دست‌کم در برخی نواحی، یک بار در موضع درست فصلی آن و بار دیگر در ماه اسمی خود برگزار می‌شدند.

آذر جشن را در برخی جاها در موضع فصلی آن، یعنی در آغاز زمستان (در روزگار خسروان در آغاز شهریورماه، برگزار می‌کردند، اما در دیگر نواحی آن را در روز آذر (روز نهم) از آذرماه گرامی می‌داشتند (برای آذر جشن دوم نک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۷). در مقابل، آبریزگان، که در اصفهان در دوره خسروان در موضع فصلی خود، در روز سی‌ام بهمن‌ماه (آخرین روز فرضی بهار)، برگزار می‌شد، در دیگر نواحی با نام «تیرگان» در روز تیر (سیزدهم) از تیرماه برگزار می‌گردید.^(۱۵)

بدیل غیرفصلی این جشن‌ها، یعنی آذر جشن دوم و تیرگان،^(۱۶) در گذر زمان جنبه‌های آیینی بیشتری نسبت به جشن‌های متناظر فصلی یافتند. در آذر جشنی که در آذرماه برگزار می‌شد، مردمان به زیارت آتشکده‌ها می‌رفتند و قربانی می‌کردند (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۷؛ برای رسوم مشابه در میان پارسیان هند در خصوص آذر جشن در سده نوزدهم رک. Karaka, 1884: 2/151-152؛ همچنین رک. Modi, 1922: 461؛ برای رسوم مرتبط با تیرگان نک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۰-۲۷۱). با این حال، داستان‌هایی که برای علت پیدایش تیرگان روایت شده (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۲؛ گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۵۰؛ شهردان رازی، ۱۳۸۲: ۴۴) خصلت باران‌خواهی آن را به مانند آبریزگان آشکار می‌کند.

سنت زرتشتیان در برگزاری جشن تیر و تشر یا تیر و باد، با بستن بندی هفت‌رنگ به دست به نشانه رنگین‌کمان در روز تیر از ماه تیر و سپردن آن بند در روز باد (بیست و دوم) بر بلندی به باد یا رها کردن آن در آب روان (رک. سروشیان، ۱۳۷۰: ۵۱؛ روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۳-۱۱۴؛ مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۷۰؛ نیکنام، ۱۳۸۷: ۸۶-۸۷؛ Boyce, Dhabhar, 1932: 342-343)،^(۱۷) مؤید همین موضوع است.^(۱۸)

۳. تحولات پس از سقوط ساسانیان

از آنجا که جابه‌جا کردن پنجه در هر ۱۲۰ سال با فرمان شاهنشاه و تشکیل انجمن بزرگان و دانایان صورت می‌گرفت و پس از شاهنشاهی ساسانی امکان اجرای آن دیگر وجود نداشت، در سده‌های نخست هجری پنجه در آخر آبان‌ماه باقی ماند. در نتیجه، جشن‌های فصلی هم که در هر ۱۲۰ سال یک ماه در تقویم جابه‌جا می‌شدند، تا در همان موضع فصلی خود برگزار شوند، دیگر جابه‌جا نشدند و در همان ماه‌ها باقی ماندند و از موضع واقعی فصلی خود فاصله گرفتند.

بنابراین، حتی در زمان ابوریحان (۳۶۲- بعد از ۴۴۰ ه.ق)، با این‌که این جشن‌ها چند ماه از موضع فصلی خود فاصله گرفته بودند، همچنان در همان ماه‌های روزگار خسروان برگزار می‌شدند. برای جشن‌های فصلی که پس از سقوط ساسانیان از موضع فصلی خود فاصله گرفته بودند، تعبیرهای جدیدی به وجود آمد، چنانکه گردیزی در سده پنجم هجری آذر جشن را، که در اصل جشن آغاز فصل زمستان بود اما به روزگار او به آخر ایام تابستان افتاده بود، «اول تغییر هوا و میل کردن هوا به سردی و رغبت مردمان به آتش افروختن» تعبیر کرده است (گردیزی، ۱۳۸۴: ۳۵۰).^(۱۹)

۳.۱. تقویم جلالی و تحولات بعدی

پس از تأسیس و رواج تقویم جلالی، آبریزگان اصفهان را در همان موضع فصلی پیش از سقوط ساسانیان برگزار کردند، چنانکه زکریای قزوینی (درگذشته ۶۸۲ ه.ق) زمان آن را روز انیران (سی‌ام) از خردادماه (جلالی) بیان کرده است (قزوینی، ۱۸۴۸-۱۸۴۹: ۸۱). توصیف‌های متعددی از برگزاری این جشن، که در دوره صفوی «آب‌پاشان» می‌نامیدند، از سوی مورخین (اسکندر بیک منشی، ۱۳۸۲: ۸۳۸/۲) و سیاحان خارجی (Della Valle, 1667: 311-312 Figueroa, 1843/2: 32-31) به جای مانده است. بنا به گزارش این منابع، در اول تحویل سرطان، مردمان از طبقات گوناگون در انتهای خیابان چهارباغ در کنار زاینده‌رود گرد می‌آمدند و بر روی یکدیگر آب می‌پاشیدند. فیگوئروا، که در سال ۱۶۱۹ میلادی (۱۰۲۸ ه.ق) شاهد آب‌پاشان اصفهان بوده، ادعا کرده آن جشن از سده‌ها پیش در ماه ژوئیه برگزار می‌شده است. اما بنا به گزارش دلاواله، که او نیز در همان سال شاهد اجرای آب‌پاشان بوده، زمان آن را در آن سال به فرمان شاه عباس دوازده روز به تأخیر انداختند و آن را در روز پنجم ژوئیه برگزار کردند. بنابراین، زمان معمول اجرای آب‌پاشان در سنوات گذشته روز ۲۳ ژوئن بوده است. تصریح نویسندگان ایرانی هم نشان

می‌دهد که آب‌پاشان، مطابق سنت کهن، در هنگام ورود خورشید به برج سرطان، برابر با آغاز تیرماه جلالی، اجرا می‌شده است. بنا به گزارش اسکندر بیک منشی (۲/۱۳۸۲: ۸۳۸)، در سال ۱۰۲۰ هـ.ق/۱۶۱۱ م آب‌پاشان همچنان در اول تحویل سرطان برگزار شده است. زمان برگزاری آب‌پاشان همچنین نشان می‌دهد که در آن زمان منجمین اصفهان ماه‌های برجی را مورد استفاده قرار می‌داده‌اند که بنا بر آن، روز نخست تابستان با روز نود و پنجم سال برابر بوده است.^(۲۰) بنا بر تصریح ربیع/المنجمین (برگ ۹۵ چپ)، که در شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی در روزگار صفویان نوشته شده است، ماه‌های برجی فروردین و اردیبهشت هر یک ۳۱ روز و خرداد ۳۲ روز داشته است.^(۲۱) بنابراین، روز نخست تابستان روز نود و پنجم سال بوده است. مورخان گورکانیان هند برگزاری جشنی مشابه آب‌پاشان را در دربار آنان گزارش می‌کنند که به اسم «گلایی» معروف بوده و تیرگان نیز نامیده شده است. اما این جشن در هند در روز تیر از تیرماه جلالی برگزار می‌شده است. در سال ۱۰۴۷ هجری قمری، جشن گلایی «در یازدهم صفر» (برابر با پنجم ژوئیه ۱۶۳۷ میلادی) برگزار شده است (لاهوری، ۱۸۶۷-۲/۱۸۶۸: ۲۷۵/۲؛ برای برگزاری این جشن در سال ۱۰۳۹ هجری ر.ک. کنبو، بی‌تا: ۳۷۴ و برای سال‌های ۱۰۴۱-۱۰۴۴ ر.ک. جلالی طباطبایی، ۱۳۸۸: ۶۲، ۲۱۰، ۳۰۲، ۴۰۴) و این نشان می‌دهد که در تقویم جلالی رایج در دربار گورکانیان نیز ماه‌های برجی مورد استفاده بوده است. موضوع مهم دیگر آن که تأخیر دوازده‌روزه برگزاری آب‌پاشان در سال ۱۰۲۸ هـ.ق/۱۶۱۹ م به منظور تغییر موقع برگزاری آن و انتقال آن از روز نخست تیرماه جلالی (اول تحویل سرطان) به روز تیر (سیزدهم) از تیرماه صورت گرفته است، چنان‌که شواهد برگزاری آن در دربار گورکانیان هند این تحول را نشان می‌دهد. این تحول توضیح می‌دهد که چرا فرهنگ جهانگیری (پایان تحریر نخست: ۱۰۱۷ هـ.ق؛ تحریر دوم ۱۰۳۲ هـ.ق) و برهان قاطع (۱۰۶۲ هـ.ق)، که پس از این زمان در هند نگاشته شده‌اند، موعد برگزاری آبریزگان را برخلاف اسکندربیک منشی سیزدهم تیرماه بیان کرده‌اند و آن را با تیرگان یکی دانسته‌اند (انجو شیرازی، ۱۳۵۹: ۷۷/۱؛ برهان، ۱۳۷۶: ۷/۱؛ همچنین است در فرهنگ آندراج، و به پیروی از این فرهنگ‌ها در لغت‌نامه دهخدا).^(۲۲)

۲.۳. میراث گذشته و رسم‌های امروزی

رسم آبریزگان یا آب‌پاشان، که در ابتدا در آغاز فصل تابستان برگزار می‌شد، تقریباً فراموش شده است. با این حال، آثار آن را جسته و گریخته به صورت رسمی محلی

می‌توان دید. مثلاً مراسم آب تیرماهی، که در اول تیرماه هر سال در کاریزات یزد برگزار می‌شود و مراسم آن، پس از فال کوزه، با خیس کردن یکدیگر پایان می‌گیرد، احتمالاً بازمانده‌ای از آبریزگان کهن باشد (روح‌الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۵). بدیل غیرفصلی آبریزگان، یعنی تیرگان، که پس از رایج شدن تقویم جلالی در برخی نقاط در تیرماه جلالی برگزار می‌شود و خصوصیات فصلی پیدا کرده، در میان زرتشتیان همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد، اما در تقویم ستار مناطق شمالی ایران که به نام «تیرماه سیزده‌شو» برگزار می‌شده، رسم آب‌پاشی را از دست داده است (رک. موسی‌پور، ۱۳۸۳: ۷۸۹).

در مقابل، آذرجشن به نام جشن «شب چله» در بسیاری از نقاط ایران به حیات خود ادامه داده است. رسوم مردم ایران‌زمین برای شب چله بی‌شبهت به توصیف ابوریحان از رسوم آذرجشن نیست (برای رسوم مرتبط با شب چله رک. انجوی شیرازی، ۱۳۸۹؛ شکورزاده، ۱۳۶۳: ۲۲۶-۲۲۸). در برخی نقاط، به‌رغم گذشت سده‌ها، در شب چله آتش نیز می‌افروزند. رسم روستای آخلومد خراسان در بستن بوته‌ها به سر طناب یا زنجیر و آتش زدن آن در پشت بام و بر فراز سر چرخاندن آن (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۲۲۸)، یادآور سنت باستانی مورد توصیف بیرونی است. «آیین چله‌زری» که در برخی روستاهای ملایر در شب سی‌ام آذرماه انجام می‌گیرد احتمالاً نه‌تنها به جهت سنت‌هایش، بلکه در نام خود نیز ادامه آذرجشن کهن است: افروختن شمع به دست افراد خانه، نهادن بشقاب‌های نقل، روشن کردن شمع به دور دختر جوانی که به نام چله‌زری عروس شده و بر تخت نشسته، و آتش‌بازی زنان و دختران خاستگاه رسم چله‌زری را در آذرجشن باستانی نشان می‌دهد (برای توصیف این آیین رک. انجوی شیرازی، ۲/۱۳۸۹: ۲۳۱-۲۳۵).

۴. نتیجه

مراحل تحولاتی که در گذر زمان در بزرگداشت انقلاب تابستانی و انقلاب زمستانی به وجود آمده، عبارت است از:

۱. دو جشن کهن که در موعد انقلاب تابستانی و انقلاب زمستانی برگزار می‌شدند انگیزه نامگذاری تیرماه (ماه نخست تابستان در زمان تأسیس تقویم) و آذرماه (ماه آخر پاییز) در هنگام نامگذاری ماه‌های تقویم کهن ایران شدند. در دوره ساسانی این دو جشن را آبریزگان و آذرجشن می‌نامیدند.

۲. مدتی پس از تأسیس تقویم و نامگذاری ماه‌ها، برای روزهای تقویم نیز نام‌هایی انتخاب کردند و برای این کار از نام‌های امشاسپندان و ایزدان بهره گرفتند. نامگذاری

روزی به نام یک امشاسپند یا ایزد ستایش همان ایزد را در آن روز ضروری می‌کرد. به این ترتیب حتی آن دسته از جشن‌های فصلی که در روز اول یا آخر فصول چهارگانه سال برگزار می‌شدند، به روزهایی انتقال یافتند که به ایزدان مرتبط با آن جشن‌ها اختصاص داشتند. جشن‌های مرتبط با فصول چهارگانه را اینک نه در آغاز یا پایان فصول، بلکه با تلاقی روز و ماه در تقویم برگزار می‌کردند.

۳. جشن‌های فصلی، که اکنون در روز و ماه هم‌نام برگزار می‌شدند، الگوی پیدایش جشن‌های دیگری همچون فروردینگان، اردیبهشتگان و خردادگان شدند که به نحو مشابه، با تلاقی نام‌ها برگزار می‌شدند. این جشن‌های ثانوی خصلت فصلی نداشتند.

۴. برای حل معضل جابه‌جایی مناسبت‌های فصلی، ابتکار حرکت دادن پنجه صورت گرفت. این اصلاح تقویمی امکان برگزاری جشن‌های با منشأ فصلی را در موضع فصلی درست خود فراهم آورد، اما سنت برگزاری این گروه از جشن‌ها در ماه‌های اسمی برقرار ماند. برگزاری این جشن‌ها در موعد فصلی، به بعضی نواحی همچون اصفهان محدود بود. جشن‌های ثانوی که منشأ فصلی نداشتند، همچنان در همان ماه‌های اسمی خود برگزار می‌شدند.

۵. پس از رواج تقویم جلالی، آبریزگان اصفهان در روز نخست تیرماه جلالی (روز نود و پنجم سال با حساب ماه‌های برجی)، یعنی روز نخست ورود خورشید به برج سرطان، برابر با ۲۳ ژوئن، برگزار می‌شد.

۶. در نیمه نخست سده یازدهم هجری، آبریزگان را، که در این زمان آب‌پاشان نامیده می‌شد، به روز تیر (سیزهم) از تیرماه جلالی، یعنی روز صد و هشتم سال، برابر با پنجم ژوئیه انتقال دادند. به همین دلیل، فرهنگ‌های فارسی آب‌پاشان را معادل با تیرگان گرفته‌اند.

۷. مراسم شب چله ادامه آذر جشن باستانی است. پاره‌ای رسوم محلی مربوط به این شب خصلت‌های کهن را حفظ کرده‌اند. چله‌زری ملایر، گذشته از مضمون، حتی در نام هم شاید صورت نوتر آذر جشن باشد. آبریزان، به صورت ادغام یافته آن با تیرگان، به حیات خود در میان زرتشتیان ادامه می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در تحقیقات معاصر، اصلاح تقویم کهن ایران به صورت‌های گوناگون بازسازی و تفسیر شده است. در این تحقیقات، اغلب هدف از اصلاح تقویم را برگزاری جشن‌ها و مراسم دینی در موعد فصلی آنها دانسته‌اند و تقویم

اصلاح‌شده را که مکتبوس تصور کرده‌اند تقویم دینی، و تقویم عادی غیرمکتبوس را تقویم عرفی معرفی کرده‌اند (مثلاً تقی‌زاده، ۱۳۵۳؛ ۱۹۷۰؛ Boyce, 2005).

۲. این تاریخ با زمانی که برای زندگی مؤلف ورزنامه (سده ششم میلادی) پیشنهاد شده است، سازگاری ندارد.
 ۳. تقی‌زاده و هارتنر کوشیده‌اند موقعیت زمانی اولیه گاهنبارها را در زمان فرضی تأسیس تقویم، که تقی‌زاده در سال ۴۴۱ ق.م قرار می‌دهد و هارتنر برابر با ۵۰۳ ق.م می‌داند، بازسازی کنند و بر این باورند که در زمان ایجاد آن تقویم، گاهنبارهای دوم و پنجم با انقلاب تابستانی و زمستانی برابر بوده‌اند (تقی‌زاده، ۱۳۵۳: ۱۰۱-۱۰۶؛ Hartner, 1985: 782). اما بازسازی آنها موقعیت‌های فصلی ناسازی برای گاهنبار اول، سوم، چهارم و ششم به وجود می‌آورد و مستلزم فرض ایجاد گاهنبارها در زمان‌های متفاوت است. گاهنبارهای دوم و پنجم را به جای انقلابین، باید با میانه تابستان هفت‌ماهه و میانه زمستان پنج‌ماهه برابر دانست (نک. Bielmeier, 1992: 16-20, 43-49; Cama, 1885: 585-589). تقی‌زاده این نظر را نیز مطرح کرده که در زمان تأسیس تقویم، تیرگان (سیزدهم تیرماه) و مهرگان (شانزدهم مهرماه) به ترتیب با انقلاب تابستانی و اعتدال پاییزی مطابقت داشته‌اند (Taqizadeh, 1952: 607).

۴. در اینجا موضع فصلی بهمن‌ماه در زمان پیروز و افتادن آن به ماه می تقویم میلادی، آن‌گونه که بویس (Boyce, 1983b: 247) محاسبه کرده، ارتباطی با موضع فصلی آبریزگان ندارد. عمادی (۱۳۵۳: ۵۸۹-۵۹۰) بهمن‌ماه این تقویم را همان ورفن‌ماه تقویم دیلمی دانسته است. اگرچه خاستگاه تقویم دیلمی همان تقویم کهن ایرانی با سال سیار آن است، اما تنها به علت گذشت نزدیک به یک دور بزرگ تقویمی از زمان خسروان است که موقعیت زمانی ماه‌های این تقویم با موقعیت فصلی ماه‌ها در روزگار خسروان (تقریباً) برابر شده است؛ وگرنه بهمن‌ماه تقویم عادی کهن (ساسانی و یزدگردی) و ورفن تقویم محلی دیلمی در گذشته در فصول چهارگانه سیار بودند.

۵. گری (Gray, 1912: 874) خصلت باران‌خواهانه آبریزگان را به‌درستی متذکر شده است.

۶. مقدسی (۱۹۰۶: ۳۹۶-۳۹۷) و ابوالشیخ انصاری (۱۴۱۲: ۱۵۷/۱-۱۵۸) از رسمی در تیر روز از تیرماه در نواحی کاشان سخن می‌گویند که در آن مردمان به طلب درمان، آبی را که از چشمه‌ای در جانب کوهی می‌تراوید جمع می‌کردند. این نشان می‌دهد رسوم تیرگان در برخی نواحی با درمان‌خواهی هم ارتباط داشته است.

۷. ابن فقیه (۱۴۱۶: ۵۳۳) منشأ رسم ریختن آب توسط مردمان بر روی یکدیگر در روز آبان از فروردین‌ماه را، که به زعم او در ماه و همدان و اصفهان و دینور اجرا می‌شده، همان باران پس از قحطی هفت‌ساله پیروز بیان می‌کند. اما اینجا ظاهراً در بیان منشأ این جشن اختلاطی با آبریزگان آغاز تابستان پیش آمده است.

۸. برداشت ناصحیح از تقویم دوره ساسانی موجب شده است که جشن خرم‌روز را که بنا بر تقویم توصیف‌شده از سوی بیرونی (به روزگار خسروان) در روز نخست دی‌ماه برگزار می‌شد، صورت باستانی شب چله/شب یلدا به حساب آورند؛ مثلاً در Krasnowolska, 2007.

۹. رک. Humbach, 2015: 43؛ برای ترتیب دیگری از امشاسپندان و ارتباط احتمالی آن با تقویم نک. یسن Duchesne-Guillemin, 1950: 636ff.؛ ۴۵.

۱۰. برای ارتباط میان تیشتر و باران رک. Panaino, 1995: 15ff.

۱۱. تقی‌زاده (۱۳۵۳: ۱۲۱، یادداشت ۲۶۰) به‌درستی آبریزگان را آغاز تابستان دانسته است. گری چهار جشن را علامت چهار نقطه مبدأ فصول چهارگانه دانسته است: کوسه برنشین علامت بهار، تیرگان و مردگیران علامت اول تابستان، مهرگان علامت اول پاییز و خرم‌روز علامت اول زمستان (Gray, 1912: 875). از این میان تنها کوسه برنشین در آغاز بهار برگزار می‌شد.

۱۲. گری به این موضوع اشاره کرده است که برخی جشن‌ها نام خود را به نام ماه‌ها در چند تقویم کهن سوای تقویم زرتشتی داده‌اند (Gray, 1912: 872). آپلرز و اشمیت نیز پیش از این نشان داده‌اند که نام برخی از ماه‌های تقویم هخامنشیان از جشن‌هایی گرفته شده که در آن ماه‌ها برگزار می‌شده‌اند (Eilers, 1953: 8; Schmitt, 2003: 30, no. 90).
۱۳. یوستی و اشمیت دلیل نامگذاری آذرماه را برگزاری جشن کهن‌تری در آن ماه بیان کرده‌اند، اما این که سده را جشن انقلاب زمستانی دانسته‌اند درست نیست (Schmitt, 2003: 33; Justi, 1897: 247).
۱۴. تقی‌زاده (۱۳۵۳: ۱۲۰، یادداشت ۲۵۵) تیرماه را قدیم‌ترین اسامی ماه‌ها دانسته است.
۱۵. پیش از این، تنها گاهنبارها و مناسبت‌هایی را که اجرای آنها تکلیف شناخته می‌شد متأثر از اصلاح تقویم می‌دانستند (رک. Boyce, 1970: 531; 2005: 13-14). نظر بویس درباره آنچه اصلاح نخست تقویم زرتشتی می‌نامیده، پذیرفتنی نیست و برداشت او از چگونگی و دامنه تأثیر حرکت دادن پنجه، که او آن را اصلاح دوم تقویم زرتشتی نامیده، به اصلاح کامل نیاز دارد. بویس رسم رفتن پارسیان هند به زیارت دخمه‌ها (Boyce, 1977: 200, no. 20) در روز فروردین (نوزدهم) از فروردین‌ماه و هم در آذرماه، و نیز سالروز درگذشت زرتشت پیامبر و جشن سده (Boyce, 1983a: 810; 1970: 530-531, 536; 1976: 37f.; 2005: 17) را مناسبت‌های فصلی متأثر از این اصلاح تقویمی دانسته است. بویس آذرچشن را، که در روزگار خسروان در روز نخست شهریورماه برگزار می‌شد، نسخه ثانی جشن سده دانسته است. اما نظر وی در این مورد نادرست است، چراکه برخلاف ادعای او میان آذرچشن و روز نخست آذرماه، که آن را «نوروز دینی» نامیده، ۹۵ روز فاصله است و نه صد روز، و هرگز ششم آذرماه را نوروز به حساب نمی‌آوردند. به فرض، اگر صد روز هم میان آن دو فاصله بود، متناظر دانستن آذرچشن نخست با سده، که تنها ۵۰ یا ۵۵ روز با نوروز، روز نخست فروردین، فاصله دارد (Boyce, 1983a: 800, 810)، ناممکن است و مقایسه آن هم با سده (Boyce, 1976; 2005: 31, no. 28)، که مطابق سنت برخی بهدینان یزد در روز اشداد (بیست و ششم) از آذرماه برگزار می‌شده، ناموجه است.
۱۶. تیرگان را باید بدیل غیرفصلی آبریزگان دانست و برابر دانستن آن با جشن انقلاب تابستانی، حتی به لحاظ نظری (مثلاً در Krasnowolska, 2007) پیش از رواج تقویم جلالی بی‌مورد است. ادعای دمشقی (۱۸۶۶: ۲۷۹) در این که در روز تیرگان ارواح مردگان بازمی‌گردند و ایرانیان در این روز خوردنی و آشامیدنی برای مردگان فراهم می‌کنند، ناشی از خلط تیرگان و فروردگان است.
۱۷. گفته رکن‌الدین آملی در زیج جامع سعیدی (سده نهم هجری) به نوشتن تعویذ و طومار در سیزدهم تیرماه قدیم و حمایل کردن ریسمان‌ها در این روزها به گردن‌های اطفال به چنین رسمی اشاره دارد (برگ ۹ راست). با این عمل دور کردن بلا را انتظار داشتند. در برخی نقاط گیلان، در تیرماسیزه، رسم بستن بندی رنگین به همین منظور رایج بود.
۱۸. در میان داستان‌هایی که درباره منشأ تیرگان روایت شده، ارتباط دادن تیرگان با داستان تیر انداختن آرش کمانگیر احتمالاً تحولی متأخر است. شهرمدان رازی گوید: «تیرگان: تیرماه و تیر روز بود و گویند کی آن روزست کی آرش تیر بینداخت از کوه‌های طبرستان تا سوی طخارستان چون قسمت پادشاهی همی کردند ولکن اصلی ندارد، چی عوام چون تیر روز شنیدند اعتقاد کردند کی از بهر تیر انداختن نام برو نهادند» (۱۳۸۲: ۴۴). رساله پهلوی ماه فروردین روز خرداد تیر انداختن آرش را از رویدادهای روز خرداد (ششم) از فروردین‌ماه برمی‌شمرد.
۱۹. در چاپ زاخائو از آثار الباقیه، پس از یادکرد قول خورشید موبد در باب آذرچشن ماه شهریور، جمله‌ای ساقط است و بدون آن، چنین فهمیده می‌شود که گویا آذرچشن برای خاصه مردمان بوده و از روزهای ایرانیان نبوده است و در سابق مردم تخارستان آتش آذرچشن را برای تغییری که در آغاز زمستان در هوا ایجاد می‌شده است برمی‌افروخته‌اند. اما با ملاحظه جمله ساقط شده معلوم می‌شود که منظور روز مهر (شانزدهم) از شهریورماه برابر با

روز نخست گاهنبار پنجم بوده و نه آذرچشنی که خورشید موبد از آن گفت‌وگو کرده است (نک. بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۷۲). متن و ترجمه زاخائو به نتایج نادرستی انجامیده است (مثلاً در Krasnowolska, 2007).

۲۰. آبریزگان یا آب‌پاشان مرسوم در موعده انقلاب تابستانی در اصفهان را نباید با آب‌پاشان زمان پنجه دزدیده مرسوم در گیلان یکی دانست. پنجه دزدیده، که در گیلان (و مازندران) همچنان پس از آبان‌ماه (تقویم ستار) واقع بوده، در دوره شاه عباس صفوی به آغاز تابستان افتاده است. نزدیکی زمان آن با آبریزگان اصفهان موجب خلط آن دو در برخی تحقیقات اخیر (مثلاً عمادی، ۱۳۵۳: ۶۵۸) شده است.

۲۱. در این تقویم، در سال‌های عادی (غیر مکبوس)، فروردین و اردیبهشت هر یک ۳۱ روز، خرداد ۳۲ روز، تیر و مرداد و شهریور هر یک ۳۱ روز، مهر و آبان هر یک ۳۰ روز، آذر و دی هر یک ۲۹ روز، و بهمن و اسفند هر یک ۳۰ روز داشته‌اند. در سال‌های کبیسه یک روز به آخر اسفندماه افزوده می‌شده است.

۲۲. در نسخه چاپ شده مجمع‌الفرس سروری نیز عیناً همین مطلب درباره آبریزگان آمده است (۱۳۳۸: ۸۷/۱)، اما این مدخل در تحریرهای کهن‌تر مجمع‌الفرس (تحریر نخست: ۱۰۰۸ هـ.ق) دیده نمی‌شود و مربوط به تحریری است که سروری پس از آن که به نسخه‌ای از فرهنگ جهانگیری در سال ۱۰۲۸ هجری دست یافته، به فراهم آوردن آن دست یازیده است. در نسخه‌های خطی و چاپ‌های سنگی شرح بیست باب ملا مظفر گنابادی (باب پانزدهم) هم زمان آبریزان سیزدهم تیرماه ذکر شده است. تاریخ نگارش بیست باب را ۱۰۰۵ هجری دانسته‌اند. چنانچه این تاریخ درست باشد، زمان این تحول به پیش از ۱۰۲۸ هجری می‌رسیده و گزارش اسکندربیک در مورد اجرای آن در سال ۱۰۲۰ در اول برج سرطان تنها ناظر بر همان سال بوده است. چنانکه ذکر شد، یکسان انگاشتن تیرگان و آبریزگان تنها تحولی متأخر است و برخلاف نظر بویس (Boyce, 1983b: 247)، لفظ «آبریزگان» در اصل بر تیرگان اطلاق نمی‌شده است. احتمال اطلاق آبریزگان بر خردادگان هم (ibid) بنیادی ندارد.

منابع

- املی، رکن‌الدین بن شرف‌الدین. زیج جامع سعیدی، نسخه خطی شماره ۱۸۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ابن فقیه همدانی، ابوعبدالله احمد بن محمد بن اسحاق. ۱۹۹۶/۱۴۱۶ م. کتاب البلدان، به تصحیح یوسف الهادی. بیروت: عالم‌الکتب.
- ابوالشیخ انصاری، عبدالله بن محمد. ۱۹۹۲/۱۴۱۲ م. طبقات المحدثین بأصبهان و الواردین علیها، تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین البلوشی. بیروت: مؤسسه الرساله.
- اسکندربیک منشی ترکمان ۱۳۸۲. تاریخ عالم‌آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن ۱۳۵۹. فرهنگ جهانگیری، به تصحیح رحیم عفیفی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه مشهد.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم ۱۳۸۹. جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان، تهران: امیرکبیر.
- باقری، محمد ۱۳۸۷. «مبحث تقویم در زیج جامع کوشیار»، تاریخ علم، ش ۶، صص ۶۷-۲۱.
- برهان، محمدحسین بن خلف تبریزی ۱۳۷۶. برهان قاطع، به تصحیح دکتر محمد معین، تهران: امیرکبیر.
- بندهشن ۱۳۸۴. به تصحیح فضل‌الله پاکزاد، جلد ۱: متن انتقادی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد ۱۹۵۴-۱۹۵۶م/۱۳۷۳-۱۳۷۵هـ. کتاب *القانون المسعودی*، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیه.

_____ ۱۳۸۰. *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*، به تصحیح پرویز اذکایی، تهران: میراث مکتوب.

_____ ۱۳۸۶. *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم*، به تصحیح جلال الدین همایی. تهران: هما. تقی‌زاده، سید حسن ۱۳۵۷. *گاه‌شماری در ایران قدیم*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: شکوفان. جلالی طباطبایی، محمد بن محمد بن محمود ۱۳۸۸. *شاهجهان‌نامه*، به تصحیح سید محمد یونس جعفری. دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی.

دمشقی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن ابوطالب الأنصاری ۱۸۶۶. *نخبه‌الدهر فی عجایب البر و البحر*، به تصحیح اگوست فردیناند مهران، سنت پترزبورگ: آکادمی سلطنتی علوم. *ربیع المنجمین فی شرح فصول الثلاثین*. نسخه خطی شماره ۱۷۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. روح‌الامینی، محمود ۱۳۷۶. *آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز*، تهران: آگه. سروری، محمدقاسم بن حاجی محمد کاشانی ۱۳۳۸. *فرهنگ مجمع الفرس*، به تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی اسلامییه.

سروشیان، جمشید ۱۳۷۰. *فرهنگ بهدینان*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. شکورزاده، ابراهیم ۱۳۶۳. *عقاید و رسوم مردم خراسان*، تهران: سروش. شهردان بن ابی‌الخیر رازی (۱۳۸۲). *روضه المنجمین*، به تصحیح جلیل اخوان زنجانی، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. عمادی، عبدالرحمان ۱۳۵۳. «جشن آفریجگان اصفهان»، یغما، ش ۳۱۶، ۵۸۳-۵۹۰؛ ش ۳۱۷، ۶۵۷-۶۶۱؛ ش ۳۱۸، ۷۲۰-۷۲۳.

فسطیوس بن اسکوراسیکه ۱۳۸۸. *ورزنامه*، به تصحیح حسن عاطفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. قسطوس بن اسکولستیکه ۲۰۱۰. *کتاب الزرع*، تحقیق بوراوی الطرابلس، تونس: المجمع التونسی للعلوم و الآداب و الفنون.

قزوینی، زکریا ۱۸۴۸-۱۸۴۹. *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، به تصحیح فردیناند ووستنفلد، گوتینگن.

کنبو، محمدصالح ۱۹۶۷-۱۹۷۲. *عمل صالح الموسوم به شاهجهان‌نامه*، به تصحیح غلام یزدانی، بپتست میشن.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود ۱۳۸۴. *زین الاخبار*، به تصحیح رحیم رضازاده ملک، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

لاهوری، عبدالحمید ۱۸۶۷-۱۸۶۸. *بادشاهنامه*، به تصحیح کبیرالدین احمد و عبدالرحیم متعلقین، کلکته: کالج پریس.

مزدآپور، کتابیون ۱۳۸۳. «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، فرهنگ، ش ۴۹-۵۰، ۱۴۷-۱۷۹.

- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر ۱۹۰۶. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. به تصحیح دخویه، لیدن: بریل.
- ملا مظفر گنابادی ۱۲۸۲. شرح بیست باب ملا مظفر فی معرفه التقویم، چاپ سنگی.
- موسی‌پور، ابراهیم ۱۳۸۳. «تیرگان»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۸، ۷۸۶-۷۹۰.
- نیکنام، کورش ۱۳۸۷. *از نوروز تا نوروز؛ آیین‌ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران*، تهران: فروهر.
- Bielmeier, Roland 1992 (1994). "Zur Konzeption des avestischen Kalenders," *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft* 53, 15-74.
- Boyce, Mary 1970. "On the Calendar of Zoroastrian Feasts," *Bulletin of the School of Oriental and African Society* 30/3, 513-539.
- _____ 1976. "The Two Dates of the Feast of Sada," *Farhang-e Irān Zamin* 21. 25-40.
- _____ 1977. *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford: Clarendon Press.
- _____ 1983a. "Iranian Festivals," *The Cambridge History of Iran*, vol. 3/2, 792-815, Cambridge: Cambridge University Press.
- _____ 1983b. "Ābrīzagān," *Encyclopaedia Iranica*, vol. I, 247.
- _____ 2005. "Further on the Calendar of Zoroastrian Feasts," *Iran* 43, 1-38.
- Cama, K. R. 1885. "The Interval of Time between one Gahambar and Another," *Actes du Sixième Congrès International des Orientalistes*, troisième partie, 583-592.
- Dhabhar, Bamanji Nusserwanji 1932. *The Persian Rivayats of Hormazyar Framarz and Others*, Bombay: K. R. Cama Oriental Institute.
- Della Valle, Pietro 1843. *Viaggi di Pietro Della Valle, il Pellegrino*, 2 vols., Brighton: G. Gancia.
- Duchesne-Guillemin, J. 1950. "Yasna 45 and the Iranian Calendar," *Bulletin of the School of Oriental and African Society* 13/ 3, 635-640.
- Eilers, W. 1953. *Der alte Name des persischen Neujahrsfestes*, Mainz: Akademie der Wissenschaften und der Literatur.
- Figueroa, García de Silva y. 1667. *L'ambassade de d. Garcias de Silva Figueroa en Perse contenant la politique de ce grand Empire les moeurs du Roy Schah Abbas, & une relation exacte de tous les lieux de Perse & des Indes, ou cét ambassadeur a esté l'espace de huit années qu'il y a demeuré*, traduite de l'Espagnol par Monsieur de Wicqfort. Paris: Jean du Puis.
- Gray, L. H. 1912. "Festivals and Fasts (Iranian)," in James Hastings (ed.), *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, vol. 5, 872-875.
- Hartner, Willy 1985. "Old Iranian Calendars," in I. Gershevitch (ed.), *The Cambridge History of Iran, vol. II: The Median and Achaemenian Periods*, 714-792.

- Humbach, Helmut 2015. "Interpretations of Zarathustra and the Gāthās: a. The Gāthās," in Michael Stausberg and Yuhan Sohrab-Dinshaw Vevaina (eds.), *The Wiley Blackwell Companion of Zoroastrianism*, Chichester: Wiley Blackwell, 39-43.
- Justi, Ferdinand 1897. "Die altpersischen Monate," *Zeitschrift der morgenlandischen Gesetschaft* 51/2, 233-251.
- Karaka, Dosabhay Framji 1884. *History of the Parsis, Including Their Manners, Customs, Religion and Present Position*, 2 vols, London: MacMillan and Co.
- Krasnowolska, Anna 2009. "Sada Festival," *Encyclopaedia Iranica*, online edition at iranicaonline.org.
- Modi, Jivanji Jamshedji 1922. *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay: British India Press.
- Panaino, Antonio 1995. *Tištrya. Part II: The Iranian Myth of the Star Sirius*, Roma: Is.M.E.O.
- Schmitt, Rüdiger 2003. *Meno-logium Bagistano-Persepolitenum: Studien zu den altpersischen Monatsnamen und ihren elamischen Wiedergaben*, Wien: Verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.
- Taqizadeh, S. H. 1952. "The Old Iranian Calendars Again," *Bulletin of the School of Oriental and African Society* 14/ 3, 603-611.
- Unvala, Manekji Rustomji 1908. "A Few Parsee Festivals (Jashans) according to an Old Parsee Manuscript," in J. J. Modi (ed.) *Spiegel Memorial Volume*, Bombay: British India Press, 201-210.

